

# مطالعات اجتماعی

سوم دبستان





# من بزرگ تر می شوم

## فصل ۱





کف پای من

من امروز به دنیا پا گذاشتم، در حالی که گریه می کردم. خانم پرستار پایم را گرفت، جوهری کرد و روی یک کاغذ فشار داد تا با نوزاد دیگری عوض نشوم. پرستار هم دور دستم یک نوار بست که روی آن نوشته بود:

نام خانوادگی: کاظمی      نام مادر: فاطمه      قد: ۵۱ سانتی متر

جنسیت: پسر      وزن: ۳ کیلوگرم

فکر می کنم، حتماً پدر و مادرم از دیدن کف پایم خیلی خوشحال شدند. چون همان کف پا نشان می داد که من بچه‌ی آن‌ها هستم.

اولین بار که مرا توی بغل مادرم گذاشتند، چشم‌هایم بسته و دهانم باز بود. دائم سرم را به این طرف و آن طرف می چرخاندم. مامان مرا به سینه‌اش فشار داد و گفت:  
کوچولوی من، خدا را شکر می کنم که تو را به ما داد. به خانواده‌ی ما خوش آمدی!

بعد ادامه داد: چشم‌هایت را باز کن! نمی‌خواهی مادر را ببینی؟  
پرستاری که مرا آورده بود گفت: نوزادها تا دوماهگی درست نمی‌بینند ولی صداها را خوب می‌شنوند.

مرا از بیمارستان به جایی بردند که اسمش خانه بود. در خانه، یک نفر با دیدن من جیغ کشید و بالا و پایین پرید که فکر کنم اسمش «خواهرجان» بود. او لب‌هایش را روی صورتم چسباند و آن قدر فشار داد که این بار من جیغ کشیدم. می‌خواست مرا بغل کند که بابا به او گفت: مواظب سرش باش! نمی‌تواند سرش را نگه دارد. دستت را بگذار زیر گردن بچه! آن وقت فهمیدم که اسم من بچه است!  
چند روز بعد ...

بابا از راه آمد و با خوشحالی گفت: برای حمید شناسنامه گرفتم. برادر جان گفت: بابا چرا برای من نگرفتی؟ بعد پرید و آن را از دست پدر گرفت و گفت: ببینم، شناسنامه چه شکلی است؟  
مادر جان گفت: بیا ببین، تو خودت هم شناسنامه داری. مواظب باش کثیفش نکنی. خواهرجان پرسید: شناسنامه به چه دردی می‌خورد؟

بابا جواب داد: شناسنامه‌ی هر کس نشان می‌دهد که او کیست و از کدام خانواده است. شناسنامه، همچنین نشان می‌دهد که ما ایرانی هستیم. بعدها، برای خیلی کارها مانند ثبت‌نام در مدرسه، گرفتن دفترچه‌ی بهداشتی، ازدواج و کار از شناسنامه استفاده می‌کنیم. برای همین باید در نگهداری آن دقت کنیم.

مادر جان گفت: یادت باشد برای حمید از تأمین اجتماعی، دفترچه‌ی بیمه هم بگیری. اگر خدای نکرده حمید بیمار بشود، به این دفترچه نیاز داریم.

جست و جو کنید، بنویسید



برگه‌ی ۱

- ۱- به کمک پدر یا مادر، شناسنامه‌تان را مشاهده کنید و مشخصات خودتان را بنویسید.  
نام: نام خانوادگی:  
نام پدر: نام مادر:  
تاریخ تولد: روز: ماه: سال:  
شماره‌ی ملی: محل تولد: محل صدور شناسنامه:
- ۲- رونوشت صفحه‌ی اول شناسنامه‌ی خود را به کلاس بیاورید و به معلم نشان دهید.
- ۳- از بزرگ‌ترها پرسید دفترچه‌ی بیمه‌ی تأمین اجتماعی چیست و چه فایده‌ای دارد.
- ۴- آیا شما هم دفترچه‌ی بیمه دارید؟ **بله**



در کتاب علوم سال اول خواندید که تمامی موجودات زنده رشد می‌کنند و کامل‌تر و بزرگ‌تر می‌شوند. **رشد کردن، تغییراتی در موجودات زنده به وجود می‌آورد.**



شما نیز از زمان تولد تاکنون رشد کرده‌اید. چه تغییراتی در شما به وجود آمده است؟ **وزن ما بیشتر و قدمان بلندتر شده است.**



**تغییرات بدن**  
از زمان تولد تاکنون، قد شما بلندتر و وزن شما بیشتر شده است. از آن زمان چه تغییرات دیگری در بدن شما به وجود آمده است؟



**دندان در آوردن، افتادن دندان های شیری و در آمدن دندان های دائمی و....**



**تغییر نیازها خوردن غذا - پوشاک و ...**  
وقتی متولد شدید، به چه نوع غذایی نیاز داشتید؟ برای اینکه نیاز شما برطرف شود، چه می‌کردید؟ **گریه می‌کردیم**

با بازی هایی که توجه کودک را جلب کنند بازی هایی که سر و صدای زیادی داشتند و .....



وقتی کودکی دوساله بودید، با چه اسباب بازی هایی

سرگرم می شدید؟ آیا بازی های امروز شما با دو یا سه سالگی تان

فرق دارد؟ **بله بیشتر بازی های فکری را دوست دارم**

آیا تغییراتی در نیازهای شما به وجود آمده است؟

**دادی از نیازهای خودم را می توانم برآورده کنم و تعدادی را نمی توانم**

### تغییر توانایی ها



وقتی به دنیا آمدید، خیلی از کارها را نمی توانستید انجام

دهید. پدر و مادر به شما یاد دادند که راه بروید و حرف بزنید.

**کارهایی که نیاز به مهارت زیاد داشتند، مثل باز و بسته کردن در اتاق،**

**زیپ لباس، بند کفش را بستن، خواندن و نوشتن و .....**

آیا می توانید بگویید وقتی دو یا سه ساله بودید چه کارهایی

را نمی توانستید انجام دهید؟ چه کسانی برای انجام آن کارها به

**شما کمک می کردند؟ پدر و مادرم**



**باز و بسته کردن در اتاق، زیپ لباس، بند کفش را بستن، خواندن و نوشتن و .....**

امروز چه کارهایی را می توانید انجام بدهید که در گذشته

نمی توانستید؟ این کارها را از چه کسانی یاد گرفته اید؟ **پدر و مادرم و معلم**

بله، توانایی های شما، تغییر کرده و بیشتر شده است.

با بیشتر شدن توانایی های شما، مسئولیت های شما نیز

افزایش یافته است.



پاسخ دهید



۱- نام دو نفر از کسانی را که به شما کمک کردند تا خواندن و نوشتن یاد بگیرید، بنویسید. **پدر و مادرم و معلم**

۲- با راهنمایی معلم و به کمک هم کلاسی های خود، بگویید که با افزایش توانایی های شما، چه

مسئولیت های جدیدی را پذیرفته اید؟ **مرتب کردن اتاقم - پوشیدن لباس ها - بستن بند کفش و ...**

## خط زمان

به خط زمان (۱) توجه کنید.



- مجید دیروز چه کاری انجام داده است؟ به خانه‌ی مادربزرگش رفته است
- مجید امروز چه کاری انجام می‌دهد؟ به مادرش کمک می‌کند
- مجید فردا چه کاری خواهد کرد؟ فردا ورزش دارد و می‌خواهد لباس ورزشی بپوشد.

اکنون به خط زمان (۲) توجه کنید.



امیر اکنون ۹ سال دارد و در کلاس سوم ابتدایی درس می‌خواند. امیر از گذشته تا به حال تغییراتی کرده است. او بزرگ‌تر شده است.

امیر در آینده نیز بزرگ‌تر خواهد شد. به نظر شما در آینده چه تغییراتی ممکن است برای او پیش بیاید؟ او در ۱۸ سالگی نقاشی‌های زیبا می‌کشد و در ۲۵ سالگی ازدواج می‌کند.

### جست‌وجو کنید

- از زمان تولد تاکنون تغییراتی در شما به‌وجود آمده است. درباره‌ی تغییرات خودتان هر مدرکی که می‌توانید پیدا کنید و به کلاس بیاورید. (مثل عکس‌ها، لباس‌ها، وسایل و اسباب‌بازی‌ها، نقاشی‌ها، دفتر مشق و تمرین سال‌های قبل و ...).
- بگویید، مدرکی که پیدا کرده‌اید، چه تغییری را در شما نشان می‌دهد؟
- کاربرگ‌های شماره‌ی (۱) و (۲) را در کلاس انجام دهید.
- کاربرگ‌ی شماره‌ی (۳) را در منزل کامل کنید و به کلاس بیاورید.

۶

## کاربرگ‌ی شماره‌ی ۱ | خط زمان

این خط زمان، فعالیت‌های مریم را نشان می‌دهد.

# آیا ما مثل هم هستیم؟



به هم کلاسی هایتان توجه کنید.  
آیا به یکدیگر شبیه هستید یا با هم  
تفاوت دارید؟



به دوستانم نگاه می‌کنم. بین ما شباهت‌هایی وجود دارد:

همه‌ی ما به غذا، هوا و آب نیاز داریم. مهم شباهت‌ها و تفاوت‌های افراد  
همه‌ی ما چیزهای زیبا را دوست داریم.  
همه‌ی ما به محبت و مهربانی نیاز داریم.  
اما، تفاوت‌هایی هم بین ما هست:  
برای مثال شکل و قیافه‌ی ما با هم فرق می‌کند،  
رنگ مو، رنگ پوست و چشم، قیافه و قد و هیکل افراد با یکدیگر تفاوت دارد.





هرچند، ممکن است بعضی آدم‌ها از نظر قیافه یا خصوصیاتشان خیلی به هم شبیه باشند، ولی هیچ وقت دونفر کاملاً به هم شبیه نیستند.  
استعدادها و توانایی‌های انسان‌ها نیز باهم فرق دارد. هرکدام از ما استعدادها و توانایی‌هایی داریم که باعث می‌شود بعضی کارها را بهتر انجام دهیم.

من و دوستانم به هم شبیه هستیم. همه‌ی ما می‌بینیم و می‌شنویم. غذا می‌خوریم، می‌خواهیم و بازی می‌کنیم. انا تفاوت‌هایی هم باهم داریم: مصطفی خیلی خوب انشا می‌نویسد. پوریا آیات زیادی از قرآن را حفظ کرده است. احمد خوب فوتبال بازی می‌کند. او پسر مهربانی است و به همه کمک می‌کند. امید به ساختن کاردستی علاقه‌ی زیادی دارد و کاردستی‌های قشنگی درست می‌کند. من همه‌ی دوستانم را دوست دارم. آن‌ها هم مرا دوست دارند.



همه‌ی ما انسان‌ها، آفریده‌ی خداوند هستیم. خداوند ما را با همین شباهت‌ها و تفاوت‌ها آفریده است.



نام:	نام خانوادگی:	سن:
چند کار را که می‌توانم درست و خوب انجام دهم:		
چند کار که دوست دارم یاد بگیرم:		
چیزهایی که به آن علاقه دارم:	ورزش:	کتاب:
سرگرمی یا بازی:	برنامه‌ی تلویزیونی:	
مثال: ورزش: شنا، فوتبال		

اکنون برگه‌ای را که کامل کرده‌اید، با برگه‌ی دوستانتان در کلاس مقایسه کنید. چه شباهت‌ها ؛ تفاوت‌هایی بین شما وجود دارد؟

گفت‌وگو کنید



- چرا مسخره کردن دیگران کار نادرستی است؟ چون باعث به وجود آمدن ناراحتی بین افراد می‌شود از معلم خود بپرسید خداوند در قرآن در این باره چه فرموده است؟
- اگر همه‌ی انسان‌ها مثل هم بودند، همه، یک شکل و قیافه داشتند و علاقه‌ها و توانایی‌هایشان کاملاً شبیه هم بود، چه می‌شد؟

- خداوند می‌فرماید: «ای گروه مسخره کنندگان! دیگران را مسخره نکنید شاید آنان که مسخره می‌شوند، از شما بهتر باشند.»
- نمی‌توانستند یکدیگر را از هم تشخیص دهند و در شغل‌های مختلف و موقعیت‌های مختلف کار کنند و نیازهای یکدیگر را برطرف کنند و زندگی سخت و کسل‌کننده می‌شد.